



روایت ۴۰ داکتر و پرستار ایرانی از کشتار معترضان در ایران

روزنامه نیویارک تایمز در گزارشی با عنوان «چهل داکتر و پرستار ایرانی از کشتار روایت می کنند» به مشاهدات داکتران و پرستاران از سرکوب خونین اعتراضات خیابانی دی ماه (جنوری- فبروری) در دوره قطع اینترنت در سراسر ایران می پردازد.

رکسانا صابری و فاطمه جمال پور، نویسندگان این گزارش، می گویند که از کارکنان بخش پزشکی (صحی) ایران در ۱۴ شهر و ۱۱ استان (ولایت) درباره تجربه شان در درمان معترضان زخمی پرسیدند و آن ها، با وجود خطرات جدی شخصی، روایت های شان را با این نویسندگان در میان گذاشتند.

یک نیروی کادر درمان در رشت گفته است که در اوج سرکوب خشونت بار اعتراضات گسترده ضد حکومتی در ایران در دی (جنوری- فبروری)، شاهد بود که چگونه ناگهان مرکز درمانی محل کار او مملو از صدها معترض زخمی شد. به گفته او بسیاری از مجروحان هدف گلوله های ساچمه ئی یا دیگر (انواع) گلوله ها قرار گرفته بودند و گلوله ها به سر، گردن، قفسه سینه، استخوان ران، و شکم آنها برخورد کرده بود و «کاملاً برای کشتن شلیک (فیر) کرده بودند.»

او پس از چهار روز، سرانجام به خانه رفت. اما به جای استراحت، شروع به گردآوری ۱۱ گیگابایت تصویر رادیولوژی، سی تی سکن، و پرونده (دوسیه) های پزشکی کرد و بعداً آن ها را از طریق یک اپلیکیشن پیام رسان رمزگذاری شده برای نویسندگان این مطلب در نیویارک تایمز فرستاد. او نوشت: «می خواهند همه چیز را ماست مالی کنند.»

راستی آزمایی مستقل شمار دقیق معترضانی که توسط نیروهای امنیتی در ایران کشته شده اند دشوار است.

نیروهای امنیتی کوشیدند کارکنان خط مقدم پزشکی (طبی) ایران را که در موقعیتی منحصر به فرد برای توصیف گستره این خونریزی و روایت داستان مجروحان و کشته شدگان قرار داشتند، ساکت کنند.

نویسندگان این مطلب می گویند که در روزهای پس از سرکوب خونین، با ده ها پزشک (داکتر) و پرستار شاغل در ایران تماس گرفتند و بسیاری از آنان در حالی که می کوشیدند به معترضان کمک کنند، به طور پنهانی شروع به مستند سازی آنچه دیده بودند، کرده بودند.

در این مطلب آمده است: «با همکاری بخش دیدگاه های نیویارک تایمز و با تکیه بر ارتباطات مان در میان جامعه ایرانیان خارج از کشور و داخل ایران، از ۴۰ پزشک (داکتر) و پرستار ایرانی در باره تجربه شان در درمان (تداوی) معترضان زخمی پرسیدیم. هویت آن ها تأیید شده، اما برای محافظت از آن ها در برابر تلافی جویی فاش نمی شود.»

در زیر بخشی از روایت های آن ها آمده است:

پزشک (داکتر) خانواده در قم: من شاهد شکاف ناشی از ضربه مستقیم به سر یک پیرمرد بودم که جلوی (مقابل) فروشگاهش ایستاده بود. آن فرد برای دفاع از شخص دیگری قدم پیش گذاشته بود که به گفته او چنان کتک (لت و کوب) خورده بود که چشمانش از حلقه در آمده بود.

پزشک (داکتر) متخصص استخوان در رشت: اجساد کشته شدگان آن قدر زیاد بود که آنها را با کامیون (لاری) جا به جا می کردند.

دانشجوی پزشکی (محصل طب) شاغل در بیمارستان (شفاخانه) در تهران: شاهد بیرون ریخته شدن مغز و دل و روده، قطع عضو، سلاخی، ضربات متعدد چاقو و قمه، گلوله های پلاستیکی و زخم های محل ورود و خروج گلوله بودم.

پزشک (داکتر) عمومی در شیراز: در هشتم، نهم، و دهم دی ماه (جنوری) شمار بالایی صورت های آسیب دیده و افراد جان باخته را دیدم که برای مدت ها نمی توانستم برای خودم هضم کنم.

متخصص چشم در تهران: یک جراح چشم ممکن است در طول تمام دوران کار حرفه ئی اش ده جراحی شبیه این انجام دهد، اما ما هزاران نمونه از این جراحی ها انجام داده ایم. شدت آسیب به گونه ای بود که نشان می داد هدف عمدتاً کور کردن بود. ما نمونه های از آسیب دیدن دو چشم هم داشته ایم.

یک عضو کادر درمان در رشت: از آن سه شب تصاویری را به روشنی به خاطر دارم: کودکی که در آغوش مادرش گلوله خورده بود؛ مادر بزرگی که در کنار نوه (نواسه) اش هدف شلیک (فیر) گلوله

قرار گرفته بود؛ و پسر جوانی که تک تیرانداز (نشانه زن ماهر و حرفوی) به سرش شلیک کرده بود. این تصاویر بارها در خواب و بیداری جلو چشمانم تکرار می شود. جراح اورژانس (عاجل) در تهران: از مشاهده مسیر عبور گلوله ها از بدن شوکه شده بودم. آسیب دیدگی ها نشان می داد تیراندازی از بالای ساختمان ها با هدف شلیک به سر معترضان انجام گرفته بود.